

Research Article

Metaphorical Explanation of the Governance and Statecraft Method in Nahjolbalagheh

Arezoo Akbari¹, Mohammad Sharifani^{2*}, Hossein Moradi³

Abstract

In the Holy Qur'an and Nahj al-Balaghah, diverse discussions about governance and statecraft are presented. In the Qur'anic perspective, governance is sometimes addressed directly and at other times metaphorically, portraying divine governance as the best approach to managing society while rejecting non-divine forms of government. Imam Ali (AS) also addresses issues related to governance in his sermons and letters through metaphorical expressions. These metaphors are not only used to clarify complex concepts but also serve as a tool to convey precise ideas of governance and to present an Islamic model of statecraft. This study, employing a thematic research method and a metaphorical reasoning strategy, examines and explains the metaphors found in Nahj al-Balaghah and extracts an Islamic governance model from Imam Ali's (AS) perspective. The results of this research demonstrate that Imam Ali (AS), in describing methods of governance, employs metaphors that not only explain the responsibilities of the ruler and society but also provide a comprehensive depiction of the interaction between them. The metaphors used in Nahj al-Balaghah, besides facilitating the interpretation of verses related to governance, reflect the depth of Imam Ali's (AS) perspective on governmental and social matters. By analyzing these metaphors, this research offers an Islamic governance model that can serve as a theoretical foundation for Islamic governance studies.

Keywords: Holy Qur'an, Nahj al-Balaghah, Metaphor, Government, Statecraft, Governance, Justice

How to Cite: Akbari A, Sharifani M, Moradi H., Metaphorical Explanation of the Governance and Statecraft Method in Nahjolbalagheh, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;15(60): 89-104.

1. PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of History and Philosophy of Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Department of Sciences, Quran and Hadith, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

استعارات نهج البلاغه در زمینه حکومت داری با تاکید بر آیات و روایات

آرزو اکبری^۱، محمد شریفانی^۲، حسین مرادی^۳

چکیده

در قرآن کریم و نهج البلاغه، پیرامون شیوه حکومت و کشورداری مباحث متنوعی مطرح شده است. در نگاه قرآن، گاهی به شیوه مستقیم و گاه با زبان استعاری، حکومت الهی را بهترین روش اداره جامعه معرفی نموده و حکومت‌های غیرالهی را مردود می‌داند. امام علی (ع) نیز در خطبه‌ها و نامه‌های خود به شیوه‌ای استعاری، مسائل مرتبط با حکمرانی را بیان می‌کند. استعاره‌های به‌کاررفته در این اثر، نه تنها به منظور روشن‌سازی مفاهیم پیچیده استفاده شده‌اند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای انتقال دقیق مفاهیم حکمرانی و ارائه الگویی اسلامی از آن عمل می‌کنند. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق موضوعی و استراتژی استدلال استعاره‌ای، به بررسی و تبیین استعاره‌های موجود در نهج البلاغه پرداخته و مدل حکمرانی اسلامی از منظر امام علی (ع) را استخراج کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که امام علی (ع) در بیان شیوه‌های حکمرانی، از استعاره‌هایی استفاده کرده است که علاوه بر توضیح وظایف حاکم و جامعه، به ارائه تصویری جامع از تعامل میان آن‌ها پرداخته است. استعاره‌های به‌کاررفته در نهج البلاغه، علاوه بر راهگشایی در تفسیر آیات حکمرانی، نشان‌دهنده عمق نگاهی است که امام به مسائل حکومتی و اجتماعی داشته است. این پژوهش با تحلیل این استعاره‌ها، الگویی از حکمرانی اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان مبنایی نظری برای مطالعات حکومتی اسلامی در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، نهج البلاغه، استعاره، حکومت، کشورداری، حکمرانی، عدالت

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

نهج البلاغه به عنوان اثری جاودان از امام علی (ع)، همواره مورد توجه اندیشمندان و محققان حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. این کتاب نه تنها از جنبه‌های معنوی و دینی ارزشمند است، بلکه به عنوان منبعی غنی برای تحلیل و بررسی مسائل اجتماعی، سیاسی و حکومتی نیز مطرح شده است. «یکی از جنبه‌های مهم نهج البلاغه، بیان شیوه‌های حکمرانی و کشورداری است که امام علی (ع) در قالب استعاره‌های زیبا و گویا به مخاطبان خود ارائه می‌دهد.» (منتظری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷) این استعاره‌ها نه تنها به توضیح ساده‌تر مفاهیم پیچیده کمک می‌کنند، بلکه به عنوان ابزاری برای تبیین دقیق وظایف حاکم و جامعه نیز عمل می‌کنند.

در حکمرانی اسلامی، با تکیه بر معارف قرآن کریم، مفاهیمی همچون عدالت، امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری و خدمت به مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. (نهادی و سیاهکالی مرادی، ۱۴۰۰: ۱۱۸) امام علی (ع) با استفاده از استعاره‌های گوناگون، به بیان این مفاهیم پرداخته و الگویی جامع از شیوه حکمرانی اسلامی ارائه داده است. «استعاره‌های به کاررفته در نهج البلاغه، ضمن تبیین وظایف حاکم، به تعامل سازنده و مسئولانه میان حکومت و مردم نیز اشاره دارند.» (پورابراهیم، ۱۳۹۵: ۷۷)

یکی از چالش‌های مهم در حوزه نظریه‌پردازی حکمرانی، ارائه الگویی جامع و منطبق با آموزه‌های اسلامی است. (آذرنگ و پیروزی، ۱۳۹۶: ۴۷) قرآن کریم و نهج البلاغه، حاوی آموزه‌های ارزشمندی در این زمینه هستند که تاکنون کمتر به صورت سیستماتیک و علمی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یکی از روش‌های مؤثر در تبیین این آموزه‌ها، بررسی استعاره‌های موجود در نهج البلاغه است. این استعاره‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری کارآمد برای فهم بهتر مفاهیم پیچیده حکمرانی و کشورداری مورد استفاده قرار گیرند.

در این پژوهش، مسأله اصلی این است که چگونه استعاره‌های به کاررفته در قرآن و نهج البلاغه می‌توانند به تبیین و ارائه الگویی از حکمرانی اسلامی کمک کنند؟ آیا این استعاره‌ها صرفاً ابزاری برای زیباسازی کلام بوده‌اند یا هدفی عمیق‌تر، یعنی ارائه الگویی نظری از حکومت، در پشت آن‌ها نهفته است؟ هدف از این پژوهش، بررسی و تبیین استعاره‌های حکمرانی در قرآن و نهج البلاغه و ارائه مدلی از حکمرانی اسلامی است. این مدل می‌تواند به عنوان راهنمایی نظری برای پژوهش‌های بیشتر در حوزه حکمرانی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. با بهره‌گیری از استراتژی استدلال استعاره‌ای، سعی بر آن است تا مفاهیم نهفته در استعاره‌های امام علی (ع) استخراج و تحلیل شوند.

اهداف پژوهش

۱. استخراج و تبیین استعاره‌های مرتبط با حکمرانی و کشورداری در قرآن و نهج البلاغه.

۲. ارائه مدلی اسلامی از حکمرانی با بهره‌گیری از استعاره‌های موجود در نهج البلاغه.

پرسش‌های پژوهش

۱. مهم‌ترین استعاره‌های مرتبط با حکمرانی در قرآن و نهج البلاغه کدام‌اند؟
۲. این استعاره‌ها چگونه به تبیین شیوه حکمرانی اسلامی کمک می‌کنند؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. امام علی (ع) با اتکاء بر معارف قرآن کریم، از استعاره‌ها برای تبیین دقیق‌تر مفاهیم حکمرانی و کشورداری استفاده کرده است.

۲. استعاره‌های موجود در نهج البلاغه، الگویی جامع از حکمرانی اسلامی ارائه می‌دهند.

نهج البلاغه به‌عنوان منبعی غنی برای شناخت آموزه‌های دینی و سیاسی اسلام، همواره مورد توجه محققان بوده است. با این حال، بررسی استعاره‌های حکمرانی در این اثر به‌صورت سیستماتیک و علمی تاکنون کمتر انجام شده است. این پژوهش با هدف ارائه مدلی از حکمرانی اسلامی بر اساس نهج البلاغه، می‌تواند به‌عنوان گامی در جهت ارائه نظریه‌های بومی و اسلامی در حوزه حکمرانی تلقی شود.

روش این پژوهش مبتنی بر تحلیل موضوعی و استدلال استعاره‌ای است. ابتدا با بررسی بخش‌های مختلف نهج البلاغه، استعاره‌های مرتبط با حکومت و کشورداری استخراج شده و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوایی، مفاهیم نهفته در این استعاره‌ها تحلیل شده است. در نهایت، مدلی از حکمرانی اسلامی بر اساس این استعاره‌ها ارائه شده است.

پژوهش‌های زیادی درباره نهج البلاغه انجام شده است؛ اما تعداد کمی از آن‌ها به‌طور مستقیم به موضوع حکمرانی و استعاره‌های مربوط به آن پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی همچون مقاله «الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» نوشته منتظری و همکاران که صرفاً به طرح مباحث سیاسی پرداخته است. در زمینه توجه به استعاره‌های حکمرانی و کشورداری مقاله «تبیین استعاری مدل حاکمیت در بیان قرآن کریم»، نوشته رضا سپهوند و همکاران، به برخی از جنبه‌های مرتبط با تبیین استعاری حکمرانی در قرآن کریم اشاره کرده‌اند، اما تحلیل استعاره‌های نهج البلاغه در حوزه حکمرانی اسلامی، مورد توجه قرار نگرفته است. نوآوری این پژوهش در بررسی دقیق و سیستماتیک استعاره‌های حکمرانی و ارائه مدلی جامع بر اساس آن‌ها است.

مبانی نظری پژوهش

حکمرانی در نهج البلاغه

نهج البلاغه، اثری که به طور مستقیم به مسائل مختلف دینی، اخلاقی و حکومتی می‌پردازد، یکی از منابع غنی و معتبر در حوزه شناخت شیوه حکمرانی اسلامی است. «امام علی (ع) در جایگاه حکمران و ولی جامعه اسلامی، همواره تأکید فراوانی بر اصول و مبانی حکمرانی عادلانه، مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری و خدمت به مردم داشته است.» (حجازی فرد، ۱۳۹۷: ۲۵) در این کتاب شریف، مفاهیم کلیدی مرتبط با حکمرانی، از جمله عدالت، تقوا، شفافیت، رعایت حقوق مردم و توجه به نیازهای عمومی جامعه به طور پیوسته بیان شده است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکمرانی در نهج البلاغه، تأکید بر عدالت به عنوان مبانی اساسی حکومت است. (رفیعی آتانی، ۱۳۹۹: ۴۱) امام علی (ع) بارها در سخنان خود، عدالت را به عنوان محور اصلی حکومت اسلامی معرفی کرده و آن را شرط بقا و استمرار حکومت دانسته است. در این باره، امام می‌فرماید: «العدل حياة الأحكام». (غرر الحکم، ۲۳۶/۷) از این دیدگاه، «عدالت همچون روحی است که به قوانین و احکام، حیات و پویایی می‌بخشد و بدون آن، هیچ قانونی نمی‌تواند موجب صلاح جامعه گردد.» (درخشه و موسوی نیا، ۱۳۹۷: ۱۱)

همچنین امام علی (ع) بر این باور است که «حکومت و قدرت، امانتی الهی است که به حاکم سپرده شده است و او موظف است که به درستی از این امانت پاسداری کند و آن را در راه خدمت به مردم به کار گیرد.» (شاه‌آبادی و جامعه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۳۴) ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر، فرماندار مصر، می‌نویسد: بدان ای مالک، تو امانتی بزرگ در دستانت داری و مردمان همچون عزیزانت به تو وابسته‌اند؛ پس باید حقوقی را که بر عهده‌ات است، به درستی ادا کنی.

جایگاه استعاره در نهج البلاغه

استعاره‌ها در نهج البلاغه نقش بسزایی در تبیین مفاهیم پیچیده ایفا می‌کنند. «امام علی (ع) با استفاده از استعاره، مفاهیم عمیق و پیچیده‌ای همچون حکومت، مسئولیت‌پذیری، عدالت و رابطه میان حاکم و مردم را به شیوه‌ای ساده و ملموس به مخاطبان خود منتقل می‌کند.» (دانایی فرد و الوانی، ۱۳۸۶: ۱۰۹) استعاره به عنوان ابزاری برای بیان غیرمستقیم مفاهیم، به امام علی (ع) این امکان را می‌دهد که با قدرت کلام و بیان دقیق، مفاهیم کلیدی را با عمقی بیشتر به مخاطبان خود انتقال دهد.

بازتاب استعاری شیوه حکمرانی در قرآن کریم

استعاره به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند زبان قرآن، در تبیین مفاهیم حکمرانی، به خواننده کمک می‌کند تا به درکی عمیق‌تر از رابطه میان خداوند، حاکمیت و مردم دست یابد. «استعاره به کاررفته در قرآن، نوعی همانندی میان پدیده‌ها را برقرار می‌کند که به کشف معانی جدیدی از موضوعات پیچیده کمک می‌کند.» (شیخون، ۱۹۹۴: ۲۱) در حوزه‌ی حکومت و شیوه‌ی حکومت‌داری قرآن، از استعاره‌ها به‌صورت گسترده استفاده شده تا به مفاهیمی مانند مشروعیت، عدالت، طغیان و مسئولیت‌پذیری عمق بیشتری ببخشد و جایگاه حکومت الهی را برای انسان روشن‌تر کند. استعاره‌ها به این دلیل به کار گرفته می‌شوند که بتوانند با ایجاد نوعی مشابهت بین مفاهیم، جنبه‌های ناپیدا و عمیق حکومت‌داری را به‌شیوه‌ای محسوس و قابل درک به انسان معرفی کنند. «استفاده از استعاره در بیان حکومت‌داری قرآنی، به شکلی است که بتواند ضمن ایجاد ارتباط معنایی، تصویری واضح و ملموس از ماهیت حاکمیت الهی به نمایش بگذارد.» (قائم‌نیا، ۱۳۹۹: ۹۲) این استعاره‌ها به‌طور غیرمستقیم به انسان‌ها نشان می‌دهند که حکومت واقعی باید چه ویژگی‌ها و اصولی داشته باشد و حکومت‌های باطل چگونه ممکن است از مسیر عدالت و حقیقت منحرف شوند.

به عنوان مثال، کلمات و مفاهیمی مانند "طاغوت"، "نور" و "ظلمت"، "خلیفه"، و "اولی الامر" در قرآن، به شکل استعاری در ارتباط با حکومت و حاکمیت به کار رفته‌اند تا تفاوت‌های بین حکومت الهی و حکومت‌های ناحق را روشن کنند. برای بررسی دقیق‌تر مفهوم استعاره در شیوه حکومت‌داری قرآن، چند نمونه از آیات را که به کمک استعاره به مفهوم حاکمیت و نحوه تعامل حاکم با مردم پرداخته‌اند، مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

نمونه ۱: استعاره "طاغوت" به عنوان نماد حاکمیت باطل

در آیه‌ی «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)، واژه‌ی "طاغوت" به عنوان نمادی از حاکمیت ناحق و قدرتی معرفی شده که در برابر خداوند قرار می‌گیرد. این استعاره، به‌طور ضمنی نوعی مشابهت بین رفتار طاغوت و حاکمیتی که از اصول الهی فاصله گرفته، برقرار می‌کند. «طاغوت در اینجا نه تنها به معنای فرد یا نیروی جبار و متجاوز است، بلکه نمایانگر تمام نظام‌هایی است که از مسیر حق منحرف شده و سعی در ربوبیت و حکمرانی بر انسان‌ها دارند.» (جرجانی، ۱۹۹۱: ۶۷)

این آیه به مخاطب نشان می‌دهد که حاکمیت طاغوتی در واقع به معنای تسلط غیرالهی است. در حالی که پیروی از طاغوت معادل است با پرستش غیرخداوند، خودداری از تبعیت آن‌ها مستلزم اراده‌ای قوی و ایمان خالص است که تنها بندگان خالص از عهده آن برمی‌آیند. در اینجا قرآن با استفاده

از استعاره‌ی طاغوت، تصویری از حاکمیت‌های ضد الهی به دست می‌دهد و بیان می‌کند که پذیرش این حاکمیت‌ها موجب انحراف انسان از راه حقیقت و عدالت می‌شود.

نمونه ۲: استعاره "نور" و "ظلمت" در حکومت الهی و غیر الهی

در آیهی «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷)، دو استعاره‌ی مهم نور و ظلمت به کار رفته است. در اینجا، "نور" نماد هدایت، روشنایی و حقیقت است که در سایه ولایت الهی محقق می‌شود، در حالی که "ظلمت" نمادی از گمراهی، انحراف و دوری از حقیقت است که نتیجه‌ی تبعیت از طاغوت است.

قرآن با استفاده از این دو استعاره، حاکمیت الهی را به عنوان راهی روشن و هدایت‌گر معرفی می‌کند که انسان را از تاریکی‌های جهل و فساد به سوی آگاهی و عدالت هدایت می‌کند. در مقابل، پیروی از طاغوت به مثابه حرکت در مسیر تاریک و بی‌راهه است که موجب سقوط و انحراف انسان از مسیر حق می‌شود. این استعاره به مخاطب القا می‌کند که تنها حاکمیتی که به روشنی و سعادت منجر می‌شود، حاکمیت الهی است و هر نوع حکومتی که به طاغوت نزدیک باشد، جامعه را به سوی ظلمت و تباهی می‌کشاند.

نمونه ۳: استعاره "خلیفه" برای انسان

در آیهی «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، خداوند انسان را به عنوان "خلیفه" بر زمین معرفی می‌کند. کلمه‌ی خلیفه به معنای جانشین یا نماینده است و استعاره‌ای برای نشان دادن نقشی که انسان در زمین دارد. انسان به عنوان خلیفه، نه تنها مکلف به اداره و بهره‌برداری صحیح از منابع زمین است، بلکه باید این مسئولیت را به شیوه‌ای انجام دهد که در جهت خواست و اراده‌ی الهی باشد. این استعاره، مفهوم حکومت‌داری انسان را در پرتو اطاعت از خداوند مطرح می‌کند. به عبارتی، انسان نه به عنوان صاحب مطلق زمین، بلکه به عنوان جانشین و امانت‌دار خداوند در زمین حضور دارد و موظف به رعایت اصول الهی و حفظ عدالت و اخلاق است. این استعاره به ما یادآوری می‌کند که حکومت‌داری انسان باید در جهت مسئولیت‌پذیری و رعایت حقوق و عدالت باشد، چرا که در نهایت پاسخ‌گوی خداوند است و از جانب او این مأموریت را دریافت کرده است.

نمونه ۴: استعاره "اولی الامر" در حاکمیت اسلامی

در آیهی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)، "اولی الامر" به عنوان مسئولان و حکام مشروع معرفی می‌شوند که باید از آن‌ها اطاعت کرد. واژه‌ی اولی الامر به معنای "صاحبان امر" و استعاره‌ای از افرادی است که در جامعه‌ی اسلامی به عنوان جانشین پیامبر و نماینده‌ی الهی، مسئولیت هدایت و حکومت را برعهده دارند.

در این آیه، استعاره "اولی الامر" به عنوان حاکمان مشروع، نشان می‌دهد که حکومت‌داری در اسلام باید بر اساس مشروعیت الهی باشد. این مفهوم بیانگر آن است که حاکمان باید از طرف خداوند مشروعیت یافته باشند و مردم به شرطی که این حاکمان در مسیر عدالت و در چارچوب الهی عمل کنند، وظیفه اطاعت از آن‌ها را دارند. این آیه، اهمیت نقش حاکمیت مشروع و عادلانه را در جامعه اسلامی بیان می‌کند و نشان می‌دهد که هر نوع حکومتی که در جهت امر خدا و اجرای عدالت نباشد، قابل پذیرش و اطاعت نیست.

به این ترتیب، می‌توان گفت که قرآن با به‌کارگیری استعاره‌های متنوع، تصویری دقیق و روشن از حاکمیت الهی و شرایط حکومت‌داری را ارائه می‌دهد. استعاره‌ها از یک سو به تبیین مفهوم حق و عدالت در حکومت کمک می‌کنند و از سوی دیگر، انواع حاکمیت‌های ناحق و طاغوتی را مشخص می‌کنند. این استعاره‌ها به مخاطب کمک می‌کنند تا بین حکومت‌های الهی و ناحق تمایز قائل شود و اهمیت پیروی از حاکمان عادل و مشروع را درک کند.

بررسی و تبیین استعاری شیوه حکمرانی در نهج البلاغه

استعاره‌های نهج البلاغه در رابطه با کشورداری، نشان‌دهنده این است که امام علی (ع) نگاهی ژرف و راهبردی به مسائل حکومتی داشته و با استفاده از بیان استعاری، سعی کرده است که مسئولیت‌ها و وظایف حکمرانان را به‌صورتی گویا و قابل درک برای همگان توضیح دهد. برخی از استعاره‌های نهج البلاغه، جلوه‌هایی از تفکر امام علی (ع) درباره حکومت و حکمرانی را بیان می‌کنند. هر استعاره حاوی ابعاد عمیق فلسفی، اجتماعی و سیاسی است که به وضعیت پیچیده خلافت و نقش امام در آن زمان اشاره دارد. اکنون گوشه‌ای از این استعاره‌ها را در زمینه حکمرانی تحلیل می‌کنیم:

کناره‌گیری زاهدانه:

«وَطَوَيْتُ عَنْهَا كُنْهًا» (خطبه ۳)

«دامن جمع نموده از آن کناره‌گیری کردم.»

«همانطور که انسان به دلیل بیماری جسمی از غذایی دوری می‌کند، امام علی (ع) نیز به خاطر ناپاکی‌های اجتماعی زمان خود از خلافت کناره گرفت.» (حسینی و واثق، ۱۳۹۳: ۱۳) این استعاره به نوعی بر زهد و تقوای سیاسی امام تأکید دارد. امام علی (ع) در اینجا به عنوان فردی که دنیای مادی و قدرت برایش هیچ ارزشی ندارد، از خلافت کناره‌گیری می‌کند. او با بیماری‌های اجتماعی مانند فساد و نفاق روبرو بود و به همین دلیل از این موقعیت دوری کرد. این تصویر نشان می‌دهد که امام به جای

استفاده از قدرت برای خود، دغدغه جامعه و امت اسلامی را دارد و کناره‌گیری‌اش از خلافت به نوعی از تقوای سیاسی و تعهد به اصول الهی ناشی می‌شود.

تفکر مسئولانه:

«وَطَفِقْتُ أُرْتَبِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بَيْدٍ جَدَاءَ أَوْ أَصْبَرَ عَلَى طَخِيَةِ عَمِيَاءَ» (خطبه ۳)

«در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پا خیزم یا در این محیط خفقان‌زا و تاریکی که به وجود آوردند، صبر پیشه سازم.»

همچنان که انسان در تاریکی نمی‌تواند راه را بیابد، در زمان آمیختگی حق و باطل نیز مردم راه درست را نمی‌یابند (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۱). این استعاره تصویری از شرایط آشفته و پیچیده‌ای را ارائه می‌دهد که امام علی (ع) در آن زمان با آن مواجه بود. در این وضعیت، حق و باطل با هم آمیخته شده و تشخیص درست و نادرست برای مردم دشوار شده است. امام علی (ع) در این شرایط دوراه پیش رو داشت: یا با دست خالی به مقابله بپردازد یا صبر کند و منتظر موقعیت مناسب باشد. این استعاره نشانگر مسئولیت‌پذیری و تفکر عمیق امام در مواجهه با این شرایط سیاسی پیچیده است. او در اینجا به عنوان رهبری حکیم و مسئول نشان داده می‌شود که به جای عمل عجولانه، صبر و حکمت را پیشه می‌کند.

هماهنگی امام با شرایط:

«لَكِنِّي أَسْفَفْتُ إِذْ أَسْفُوا وَطِرْتُ إِذْ طَارُوا» (خطبه ۳)

«ولی من (امام) به خاطر مصالح اسلام با آنها هماهنگی کردم هنگامی که پایین آمدند، پایین آمدم و هنگامی که پرواز کردند؛ پرواز کردم.»

در این استعاره، امام علی (ع) وضعیت خود را به پرنده‌ای تشبیه می‌کند که مجبور است همراه با دیگران پرواز کند. این استعاره به نوعی محدودیت‌های امام را در شرایط شورا و حکمرانی نشان می‌دهد. او نمی‌تواند به تنهایی تصمیم‌گیری کند و باید به نوعی با جمع همراهی کند. این استعاره تصویری از سیاست‌ورزی محتاطانه و همراهی با شرایط است، در حالی که امام به خوبی می‌داند که اختیار اصلی در دست او نیست. این تصویر، تأکید بر محدودیت‌های سیاسی امام در شرایط خاص و ناتوانی او در اعمال کامل نظرات خود است.

رها کردن حکومت به حال خود:

«لَا لَقِيْتُ حَبِلَ هَا عَلِيَّ غَارِبَهَا» (خطبه ۳)

مهار شتر خلافت را بر پشتش می‌افکندم

این استعاره، عدم تعلق امام به حکومت و قدرت را نشان می‌دهد. همانطور که مهار شتر به گردنش افکنده شده و شتر هر کجا که بخواهد می‌رود، امام علی (ع) نیز خلافت را به حال خود رها کرده است. این استعاره، بیانگر این است که امام از حکومت به عنوان یک مسئولیت شرعی و نه یک هدف دنیوی

یاد می‌کند. امام هیچ تمایلی به قدرت برای خودش ندارد و اگر حکومت و خلافت از مسیر درست خود خارج شود، برای او اهمیتی ندارد. این تصویر نشان‌دهنده زهد سیاسی و تعهد به اصول اخلاقی و الهی در مقابل دنیای مادی و تمایلات قدرت‌طلبانه است.

این استعاره‌ها تصویری عمیق از نگرش امام علی (ع) به حکومت و حکمرانی را ارائه می‌دهند. در تمامی این استعاره‌ها، امام به عنوان فردی مسئول، متفکر، زاهد و متعهد به اصول الهی ظاهر می‌شود که دغدغه اصلی‌اش حفظ عدالت و هدایت جامعه به سوی راه حق است. امام علی (ع) در مواجهه با حکومت، قدرت را به عنوان ابزاری برای خدمت به مردم می‌بیند و هیچ تمایلی به استفاده شخصی از آن ندارد. این استعاره‌ها نشان‌دهنده زهد و حکمت سیاسی امام و تمایل او به دوری از فساد و ناپاکی‌های اجتماعی هستند.

استعاره‌های نهج البلاغه پیرامون شیوه کشورداری و حکمرانی حامل معنای عمیق و نشان‌دهنده چالش‌های بزرگی است که حضرت در مواجهه با حکومت و حکمرانی با آن‌ها روبرو بوده است. تحلیل این استعاره‌ها به ما درک بهتری از پیچیدگی‌های زمان ایشان و نگاه ایشان به مسائل حکومتی و اجتماعی می‌دهد:

جدیت در جنگ:

«إِذَا قُلِّصَتْ خَزْبُكُمْ وَ سَمَرْتُ عَنْ سَاقِي وَ صَاقَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكُمْ صَبِيحًا» (خطبه ۹۳)

و این زمانی است که پیکار و نبرد در میان شما ادامه یابد و دامن بالا، زند و دنیا بر شما تنگ گردد. در این استعاره، جنگ به شخصی تشبیه شده که لباس خود را به کمر می‌بندد تا در کار خود جدیت به خرج دهد. این تصویر، بیانگر شدت و تداوم جنگ است که مردم را به شدت درگیر کرده و شرایط سختی را برای آن‌ها به وجود آورده است. در اینجا حضرت علی (ع) وضعیت جامعه را توصیف می‌کند که به خاطر جنگ، شرایط اقتصادی و اجتماعی به شدت تحت فشار است، به گونه‌ای که گویا دنیا برای آن‌ها تنگ شده است. این استعاره، اوضاع بحرانی و استرس‌زا را به شکلی ملموس و قابل فهم برای مخاطب به تصویر می‌کشد.

برانگیختن فتنه:

«عَصَبَتِ الْفِتْنَةُ أَبْنَاءَهَا بِأَيَابِهَا» (خطبه ۱۰۱)

«فتنه، فرزندان خود را با دندانهای خویش می‌گزد»

در این استعاره، فتنه به حیوانی تشبیه شده که فرزندان خود را با دندان‌هایش گاز می‌گیرد. این استعاره نشان‌دهنده درد و آسیب فتنه به مردم است. فتنه همانند حیوانی که با دندان‌های تیزش صدمه می‌زند، جامعه را دچار اضطراب، شکاف و ناامنی می‌کند. همچنین، این تشبیه به خوبی نشان می‌دهد که فتنه نه تنها دشمنان را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه حتی افراد نزدیک و وابسته به آن را نیز تحت تأثیر

قرار می‌دهد. این تصویر از فتنه، بر خطر و ویرانگری آن تأکید دارد و به مخاطب هشدار می‌دهد که از فتنه دوری کنند.

امواج جنگ:

«وَمَا جِئَ الْحَرْبُ بِأَمْوَاجِهَا» (خطبه ۱۰۱)

«و جنگ با امواجش زبانه کشد.»

در این استعاره، جنگ به سیل تشبیه شده است که با امواجش همه چیز را در مسیر خود نابود می‌کند. این استعاره بیانگر شدت و درهم‌ریختگی ناشی از جنگ است. همان‌طور که سیل با امواج خود به صورت بی‌امان به همه چیز حمله می‌کند و ویرانی به بار می‌آورد، جنگ نیز با کشتار و ویرانی، مردم و جامعه را از بین می‌برد. این تشبیه، قدرت تخریب‌کننده جنگ و تأثیر مخرب آن بر جامعه را به خوبی به تصویر می‌کشد.

بروز آسیب‌ها به مردم:

«وَيُخْصِدُ الْقَائِمُ وَيَخْطُمُ الْمَخْصُودَ» (خطبه ۱۰۱)

«آنان که سر پا هستند درو می‌شوند و آنها که از پا افتاده‌اند لگد مال می‌گردند»

و محصولات آن تشبیه شده است. «حصد» به معنای درو کردن، نماد مرگ و کشتار مردم است، همان‌طور که خوشه‌های گندم درو می‌شوند و حیات آن‌ها پایان می‌یابد. «حطم» به معنای کوبیده شدن و نابودی نیز نشان‌دهنده متلاشی شدن و مرگ انسان‌ها در اثر جنگ و درگیری‌هاست. این استعاره، وضعیت غم‌انگیز و دردناک مردم را در دوران جنگ به تصویر می‌کشد و تأثیرات ویرانگر جنگ بر جسم و روح افراد را به نمایش می‌گذارد.

استعاره‌های یاد شده، نه تنها از لحاظ ادبی بسیار زیبا و تأثیرگذار هستند، بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی نیز نشان‌دهنده پیچیدگی‌ها و مشکلات حکمرانی و حکومت در زمان حضرت علی (ع) هستند. هر یک از این استعاره‌ها با استفاده از تشبیهات ملموس، شرایط سخت اجتماعی و سیاسی آن زمان را به خوبی توضیح می‌دهد و مخاطب را به درک عمیق‌تری از وضعیت جامعه و چالش‌های موجود در آن سوق می‌دهد.

استعاره‌های نهج البلاغه حول موضوعات حکومت، کشورداری و حکمرانی، به شیوه‌ای هنری و فلسفی، وضعیت جامعه و چالش‌های پیش روی امام علی (ع) را در دوران حکومت و نبرد با نیروهای مخالف به تصویر می‌کشند. در ادامه، هر استعاره را به صورت مفصل تحلیل و بررسی می‌کنیم تا ارتباط آن با مفهوم حکومت و مدیریت جامعه روشن شود:

نقش امام در پیشروی اسلام و شکست لشکر جاهلی:

«وَأَيْمُ اللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ مِنْ سَاقِيهَا حَتَّى تَوَلَّتْ بَحْدًا فِيرِهَا وَاسْتَوْسَقَتْ فِي قِيَادِهَا» (خطبه ۱۰۴)

به خدا سوگند! من دنبال این لشکر بودم و آنها را به پیش روی ما می‌داشتم، تا گروه طرفداران باطل به طور کامل پشت کردند و متلاشی شدند و تحت رهبری اسلام درآمدند.

در این استعاره، امام علی (ع) نقش خود را در هدایت مردم به سمت اسلام به شیوه‌ای دقیق و زیبا تشریح می‌کند. لشکر دشمن به شترانی تشبیه شده است که ابتدا پراکنده بودند و سپس تحت رهبری و هدایت امام (ع) به نظم درآمدند. همان‌طور که ساربان با مدیریت و هدایت خود شتران پراکنده را به ترتیب و نظم درمی‌آورد، امام (ع) نیز جامعه پراکنده و گمراه را از طریق ایمان به اسلام هدایت کرده و از آشفتگی و تفرق نجات می‌دهد. این استعاره نشان‌دهنده قدرت رهبری امام علی (ع) و تأثیر او در پیشبرد جامعه به سمت وحدت و پیروی از اصول الهی است.

دست از دامن رهبر الهی خود بر ندارید

«أَيُّهَا النَّاسُ اسْتَصْبِحُوا مِنْ شُعْلَةٍ مُصْبِحٍ وَأَعْطُ مُتْعَطٍ وَامْتَاخُوا مِنْ صَفْوِ عَيْنٍ قَدْ رُوِّقَتْ مِنَ الْكُدْرِ».

(خطبه ۱۰۵)

«ای مردم دل از نور چراغ پند دهنده‌ای که خود پندپذیر است روشن کنید و آب را از چشمه زلالی که از تیرگی صاف مانده بکشید.»

در این استعاره، امام علی (ع) وجود رهبر الهی را به چشمه‌ای زلال تشبیه کرده که از تیرگی‌ها صاف شده است. این استعاره به مخاطبان خود این پیام را می‌دهد که باید از وجود امام و رهبری او بهره‌مند شوند و دل‌های خود را با نور هدایت امام روشن کنند. همان‌طور که آب زلال و صاف چشمه‌ها مایه حیات و زندگی است، امام نیز مایه هدایت و نجات انسان‌ها از گمراهی و ناآگاهی است. این تشبیه به خوبی نشان‌دهنده اهمیت پیروی از امام و استفاده از تعالیم او برای رسیدن به سعادت و روشنی در زندگی دنیوی و اخروی است.

تحت فشار قرار دادن مردم

«نَعْرَكُمْ عَرَكَ الْأَدِيمِ وَ تَدُوشِكُمْ دُوشَ الْحَصِيدِ» (خطبه ۱۰۸)

«شما را همچون پوستهایی که به هنگام دباغی به هم می‌پیچند تحت فشار قرار می‌دهند و همچون

کوبیدن خرمن کوب.»

در این استعاره، جامعه تحت فشار ظلم و ستم بنی‌امیه به خرمنی تشبیه شده است که همچون گندم پس از درو، توسط کوبیدن به شدت له و تحقیر می‌شود. این استعاره تصویر روشنی از وضعیت تحقیر و خواری جامعه‌ای است که تحت حکومت ستمگران به سر می‌برد. همچنان که خرمن گندم با کوبیدن به ذرات کوچک خرد می‌شود و از بین می‌رود، جامعه نیز تحت فشار ظلم بنی‌امیه به شدت آسیب دیده و شخصیت انسانی آن‌ها تحقیر و نابود می‌شود. این تشبیه به خوبی وضعیت اجتماعی و

سیاسی دوران بنی امیه را نشان می‌دهد و نقد شدیدی بر ستمگران و حکومتی است که به جای عدالت، مردم را به خاک و خون می‌کشاند.

استعاره‌های ذکر شده از نهج البلاغه در اینجا نمایانگر واقعیت‌های پیچیده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران امام علی (ع) هستند. این استعاره‌ها با استفاده از تشبیهات ملموس و زیبا، وضعیت جامعه و نحوه تعامل آن‌ها با رهبران دینی و سیاسی را به تصویر می‌کشند. تحلیل این استعاره‌ها نشان می‌دهد که امام علی (ع) به عنوان یک رهبر الهی، مردم را به سوی هدایت و نجات رهنمون می‌کرد، اما در مقابل، نیروهای ستمگر مانند بنی‌امیه، جامعه را تحت فشار و تحقیر قرار می‌دادند. این استعاره‌ها به خوبی نقش رهبری در بهبود یا تخریب جامعه را نشان می‌دهند و برای تحلیل‌های عمیق‌تر در زمینه حکومت و کشورداری الهی به کار می‌روند.

استعاره‌های موجود در نهج البلاغه دارای بار معنایی عمیقی هستند که غالباً برای بیان مفاهیم پیچیده حکمرانی، جامعه و سیاست مورد استفاده قرار می‌گیرند. در ادامه، چند نمونه از استعاره‌ها را با توجه به این مفاهیم تحلیل می‌کنیم:

صادقانه سخن گفتن پیشوا:

«وَأَلْيَدُكَ رَأَيْدُ أَهْلِهِ وَ لِيَجْمَعَ سَمْلُهُ وَ لِيُخْضِرَ ذَهْنُهُ» (خطبه ۱۰۸)

و باید پیشرو و جلودار هر قومی به پیروان خود راست گوید و آنها را متمرکز ساخته و محتوای ذهن خویش را برای نجات آنها حاضر کند

واژه «رائد» که در اصل به معنای پیشرو کاروان برای یافتن منابع طبیعی مانند آب و علف است، در اینجا به عنوان استعاره برای فکر و اندیشه استفاده شده است. در این استعاره، امام علی (ع) پیشوای فکری و معنوی جامعه را به «رائد» (کسی که کاروانیان را هدایت می‌کند) تشبیه کرده است. این تشبیه نشان‌دهنده نقش یک حاکم یا رهبر در هدایت و راهنمایی مردم است. همچنان که «رائد» برای یافتن منابع حیاتی به کاروانیان راهنمایی می‌دهد، رهبر نیز باید از طریق خرد و اندیشه درست، جامعه را به سمت اهداف معنوی و دنیوی هدایت کند. این استعاره تأکید بر صداقت رهبر و روشن‌بینی او دارد که برای حکمرانی صحیح ضروری است.

این خودکامگان خشک و تر را می‌سوزانند:

«أَثْرُوا عَاجِلًا وَ أُخْرُوا أَجَلًا وَ تَرَكَوا صَافِيًا وَ شَرَبُوا آجِنًا» (خطبه ۱۴۴)

آن‌ها دنیا را مقدم داشتند و آخرت را عقب انداختند آب گوارا و صاف (نعمت‌های اخروی) را رها کردند، و آبهای متعفن (هوسرانی دنیا) را نوشیدند.

واژه «آجن» که به معنای آب گندیده است، به لذات دنیا استعاره شده است. امام علی (ع) در این بخش از سخنان خود، لذات دنیوی را به آب گندیده‌ای تشبیه می‌کند که افراد خودکامه آن را به جای

آب زلال و گوارا (نعمت‌های اخروی) می‌نوشند. این استعاره نه تنها فریبکاری و بی‌خردی حکمرانان دنیاطلب را به تصویر می‌کشد، بلکه نشان‌دهنده انتخاب نادرست آنها بین حقیقت و ظاهر فریبنده دنیاست. در حکومت و سیاست، چنین رفتارهایی موجب از بین رفتن ارزش‌های واقعی و گمراهی جامعه می‌شود.

نامه امام به سران کوفه:

«و من کتاب له (ع) إلى أهل الكوفة عند مسيره من المدينة إلى البصرة من عبد الله علي أمير المؤمنين إلى أهل الكوفة جبهة الأنصار و سنام العرب» (نامه ۲)

از نامه‌های آن حضرت است به مردم کوفه زمانی که از مدینه به بصره می‌رفت؛ از بنده خدا علی امیرالمؤمنین به اهل کوفه یاران بلند مقام و سروران عرب.

واژه «سنام» که به معنای کوهان شتر است، به کوفیان استعاره شده است. در این استعاره، امام علی (ع) اهل کوفه را به کوهان شتر تشبیه می‌کند که نماد بلندی و برتری است. این استعاره نشان‌دهنده جایگاه برجسته و مهم کوفیان در نظر امام است، همانطور که کوهان شتر نسبت به سایر اعضای بدن شتر در بلندترین نقطه قرار دارد. از این استعاره می‌توان برداشت کرد که امام انتظار داشت که کوفیان به عنوان پیشگامان و رهبران عرب، در امور حکمرانی و کشورداری نقش برجسته‌ای داشته باشند و مسئولیت بزرگی را بر عهده گیرند.

نقش فریبکارانه حکومت اموی:

«و أزدیت جیلاً من الناس كثيراً خدعتهم بغيك و ألقيتهم في موج بحر» (نامه ۳۲)

«جمعیت زیادی از مردم را هلاک، نمودی آنان را به گمراهیت، فریفتی، و در موج دورویی خود

انداختی»

واژه «موج» برای شبهه و تردیدهای فریبکارانه معاویه استفاده شده است. در این استعاره، امام علی (ع) موج دریا را به شبهه‌های ایجاد شده توسط معاویه تشبیه کرده است. همانطور که موج‌های دریا افراد را به سمت‌های مختلف می‌برد و باعث سرگردانی می‌شود، شبهه‌های معاویه نیز مردم را در افکار و تصمیماتشان گیج و گمراه می‌کرد. این استعاره به خوبی نقش فریبکاری و نیرنگ معاویه را در متزلزل کردن اعتقادات مردم و ایجاد بحران‌های سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی استعاره‌های حکمرانی در قرآن کریم و نهج‌البلاغه، به ارائه مدلی از حکمرانی اسلامی پرداخته است که بر پایه اصولی همچون عدالت، مسئولیت‌پذیری و امانت‌داری استوار است. این استعاره‌ها به خوبی نشان می‌دهند که امام علی (ع) نگاهی جامع و عمیق به

مسائل حکومتی داشته و با استفاده از زبان استعاری، مفاهیم پیچیده حکمرانی را به شکلی ساده و قابل فهم برای مخاطبان خود توضیح داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استعاره‌های مرتبط با حکمرانی در قرآن نه تنها به عنوان یک ابزار ادبی، بلکه به عنوان یک شیوه تفکر و بیان حقیقت‌های عمیق به کار رفته است که درک مفاهیم پیچیده و فلسفی را برای مخاطب ساده‌تر می‌سازد. امام علی (ع) نیز با استفاده از استعاره‌های متعدد در نهج البلاغه، توانسته است به‌طور دقیق و قابل فهم، شیوه‌های حکمرانی و کشورداری اسلامی را تبیین کند. استعاره‌های به‌کاررفته در این اثر، نه تنها مفاهیم عمیق مرتبط با حکومت را بیان می‌کنند، بلکه به حاکمان و مسئولین سیاسی این امکان را می‌دهند که مسئولیت‌های خود را در چارچوبی عادلانه و اخلاقی بهتر درک کنند. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که مدل حکمرانی اسلامی ارائه‌شده در نهج البلاغه می‌تواند به‌عنوان الگویی عملی برای حکمرانی در جوامع اسلامی امروز مورد استفاده قرار گیرد. این استعاره‌ها با تأکید بر نقش رهبر در هدایت جامعه، به تفکر و حکمرانی عمیق امام علی (ع) در مسائل حکومتی و سیاسی اشاره دارند. رهبر باید صادق، مدبر و روشن‌بین باشد و از فریب و نیرنگ در حکمرانی پرهیز کند. در مقابل، حاکمان فریبکار و دنیاطلب جامعه را به مسیر گمراهی و فساد سوق می‌دهند. این استعاره‌ها نقشی محوری در توضیح مفاهیم عمیق اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در نهج البلاغه دارند.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه فولادوند.
- نهج البلاغه (۱۳۸۵). مترجم محمد دشتی. قم: قدس.
- آذرنگ، ندا؛ و پیروزی، عبدالله (۱۳۹۶). بررسی نقش مردم در حکومت اسلامی و مبانی نظری آن از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- پورابراهیم، شیرین، (۱۳۹۵)، «بررسی روش‌های ترجمه استعاره‌های مبتنی بر طرح واژه حرکتی در نهج البلاغه»؛ پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۱۴.
- جرجانی، عبدالقاهرین عبدالرحمن (۱۹۹۱)، اسرار البلاغه، تعلیق محمود محمد شاکر، قاهره: مکتبه الخانجی.
- حجازی فرد، سعید (۱۳۹۷). حکمرانی در نهج البلاغه. نشست تخصصی شماره ۳ از سلسله نشست‌های حکمرانی اسلامی، تهران: مدرسه حکمرانی شهید بهشتی.
- حسینی، علی، و ائق، علی (۱۳۹۳)، حاکمیت خوب و حاکمیت شایسته بر اساس دیدگاه امیرالمؤمنین، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، س سوم، ش دوم: ۷-۲۸.

دانایی فرد، حسن و الوانی، مهدی (۱۳۸۶). "استراتژی استدلال استعاره‌ای در نظریه‌پردازی: شکل‌گیری تئوری جابه‌جایی مدیران دولتی"، فصلنامه مدرس علوم انسانی، س ۱۱، ش ۳: ۱۰۷-۱۳۵.

درخشه، جلال؛ و موسوی‌نیا، مهدی (۱۳۹۷). مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص). دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹(۱)، ۱-۲۸.

رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۹). معنا و مبنای حکمرانی اسلامی: نخستین نشست از سلسله نشست‌های مقدماتی کنفرانس سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی. تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدا.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ و جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه. نشریه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۱(۲)، ۲.

شیخون، محمدالسید (۱۹۹۴). الاستعارة نشأتها و تطورها، بیروت: دار الهدایة للطباعة و النشر و التوزیع.

قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۹۹). استعاره‌های مفهومی و فضاها‌ی قرآنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). سیری در نهج البلاغه. قم: صدرا.

منتظری، محمد، بهمنی، اکبر، و فتحی‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۱(۶)، ۱۳۳-۱۵۴.

نهادی، هادی، و سیاهکالی‌مرادی، جواد. (۱۴۰۰). بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج البلاغه. فصلنامه تخصصی حکمرانی متعالی، ۲(۲)، ۱۱۴-۱۳۹.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: اکبری آرزو، شریفانی محمد، مرادی حسین، استعارات نهج البلاغه در زمینه حکومت داری با تاکید بر آیات و روایات، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۶۰، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۰۴-۸۹.